

شخصیت دالی و مدلولی امام حسین علیه السلام بر اساس الگوی نشانه‌شناسی هامون

دکتر سید مهدی نوری کیندقانی^۱

مسعود سلمانی حقیقی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۲

چکیده

دانش نشانه‌شناسی به تحلیل و بررسی انواع نشانه‌ها، عوامل حاضر در فرآیند تولید و مبادله و تعبیر آنها و نیز قواعد حاکم بر نشانه‌ها می‌پردازد. نشانه چیزی است که به غیر از خود دلالت دارد. سوسور به عنوان پدر علم نوین نشانه‌شناسی دو مفهوم دال و مدلول را برای نشانه‌شناسی در نظر گرفته است و رابطه میان آن دو را رابطه‌ای جدایی‌ناپذیر می‌داند. فیلیپ هامون نیز نشانه‌شناسی شخصیت را به سه سطح دال، مدلول و سطوح تحلیل شخصیت تقسیم‌بندی می‌کند. در این جستار با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی شخصیت و صفات دالی و مدلولی امام حسین علیه السلام در پرتوی فرآیند نشانه‌شناسی مورد بررسی قرار

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری. sm.nori@hsu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول). salmanihaghighi@semnan.ac.ir

می‌گیرد. ویژگی‌های بارز شخصیتی امام حسین علیه السلام به مثابه یک دال و مدلول و شیء ارزشی بر جامعه و افراد آن پوشیده نیست و جلوه‌های آشکار این خصوصیات به عنوان چراغ راه، روشن‌کننده مسیر همگان است. شخصیت دالی و مدلولی امام حسین علیه السلام به عنوان یک نشانه، باعث شناخت خصلت‌های خوب و بد یک جامعه در زمان زندگی آن حضرت در میان مردم و نیز در زمان حال به شمار می‌رود؛ چرا که به واسطه شناخت ویژگی‌های امام حسین علیه السلام می‌توان خوب را از بد و حق را از باطل جدا کرد و به ماهیت آن پی برد.

کلیدواژه‌ها: امام حسین علیه السلام، نشانه‌شناسی، فیلیپ هامون.

مقدمه

نشانه‌شناسی دانشی است که نشانه‌های یک نظام زبانی یا غیرزبانی را بررسی می‌کند و از قرن بیستم گسترش یافته و بر پایه دال، مدلول و دلالت استوار است (بیگ زاده و احمدی، ۱۴۰۰: ۸۴). شالوده این دانش را فردیناند دوسوسور (۱۸۵۷-۱۹۱۳)، زبان‌شناس سوئیسی و چارلز ساندرس پیرس (۱۸۳۹-۱۹۱۴) فیلسوف آمریکایی بنا نهادند (عیاشی، ۱۴۲۹: ۳۳). پایه‌های دانش نشانه‌شناسی و کارکردهای شخصیت، میراث مهم رویکردهای اولیه ساخت‌گرایی و صورت‌گرایی بوده است؛ کاری که با پژوهش پراپ درباره قصه عامیانه آغاز شد و کاربرد روش نشانه‌شناسی را گسترش داد (استون و ساوانا، ۱۳۸۲: ۵۰). سوسور نشانه را ترکیبی از دال و مدلول می‌داند. سوسور دال را تصور آوایی و مدلول را تصور ذهنی در نظر می‌گرفت. وی معتقد است که دال و مدلول جدایی ناپذیرند. او نشانه را الزامی می‌داند؛ یعنی رابطه دال و مدلول رابطه لازم و ملزوم است (اسلم جوادی و نیک پی، ۱۳۸۷: ۱۷۷-۲۰۴). سوسور معتقد است نشانه‌ها در اصل به یکدیگر ارجاع می‌دهند و نشانه کلی است که از اتصال دال و مدلول است و به دلالت اشاره دارد (شاه علی، ۱۳۸۹: ۵۱). به گفته وی هر نشانه، سویه‌ای محسوس و پنهان دارد، سویه محسوس را دال و سویه پنهان را مدلول می‌نامیم (احمدی، ۱۳۷۵: ۳۳). به عبارت دیگر، زبان و

کلمه اشاره، مدلولی را در ذهن برمی‌انگیزد و این مدلول ذهنی برای آن چیزی است که در جهان خارج عینیت دارد و این سیر دلالت نامیده می‌شود (الغدامی، ۲۰۰۶: ۱۷). در این پژوهش صفات و شخصیت دالی و مدلولی امام حسین علیه السلام در پرتوی نشانه‌شناسی فیلیپ هامون مورد تحلیل قرار گرفته تا از این طریق لایه‌های معنوی نهفته در اخلاق و منش این امام بزرگوار متبلور شود.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی شخصیت و صفات دالی و مدلولی امام حسین علیه السلام را در پرتوی فرآیند نشانه‌شناسی هامون مورد بررسی قرار نداده است. در مورد نشانه‌شناسی هامون می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. بیگ زاده و احمدی (۱۴۰۰) در مقاله «نشانه‌شناسی شخصیت امام رضا علیه السلام در «هاچین و واچین» زهرا داوری بر پایه نظریه فیلیپ هامون» که در فصلنامه فرهنگ رضوی چاپ شده است، سیمای امام رضا علیه السلام در «هاچین و واچین» را بر اساس نظریه نشانه‌شناسی شخصیت فیلیپ هامون مورد بررسی قرار داده است. طاهری نیا و حیدری (۱۳۹۳) در فصلنامه لسان مبین مقاله «ساختار نشانه‌ای شخصیت حضرت مریم در قرآن کریم» را منتشر کردند که ابعاد پنهانی شخصیت حضرت مریم علیها السلام را نمایان کرده است. عامری و دیگران (۱۳۹۵) در مقاله «نشانه‌شناسی ادبی شخصیت فرعون در قرآن کریم» چاپ شده در مجله پژوهش‌های ادبی - قرآنی، شخصیت فرعون در قرآن کریم را با رویکرد نشانه‌شناسی و از حیث دال (نام، جایگاه نحوی، ضمایر و بعد بلاغی) و مدلول (صفات، کنش گفتاری و کنش رفتاری) مورد مطالعه قرار داده‌اند. مقاله «بررسی فرآیند نشانه‌شناسی اجتماعی در آموزه‌های علوی با تکیه بر نهج البلاغه با تکیه بر هویت و آداب معاشرت» نوشته نظری و دیگران (۱۳۹۸) که در پژوهشنامه علوی چاپ شده، نشانه‌شناسی اجتماعی در کتاب مذکور را با تکیه بر دو مقوله هویت و آداب معاشرت مورد بررسی قرار داده است.

با توجه به این که شخصیت امام حسین علیه السلام در پرتوی فرآیند نشانه‌شناسی، مورد بررسی قرار نگرفته، نگارش مقاله‌ای در این حوزه می‌تواند زوایایی از لایه‌های معنایی نهفته

در شخصیت دالی و مدلولی امام حسین علیه السلام به مخاطبان ارائه کند.

نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی بررسی نحوه شکل‌گیری و تولید معنا بر مبنای نظام‌های نشانه‌ای است. نشانه‌شناس نشانه‌ها را نه در خلاء، بلکه در بستر متون و گفتمان‌های مختلف بررسی می‌کند (موحد مجد و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۷). نشانه‌شناسی، بررسی فرآیند تولید و بازتولید جریان معنا در تمام اشکال ارتباطات است (سجودی، ۱۳۹۰: ۱۲۸). نشانه‌شناسی در بستر ساختارگرایی متولد شده است و ما را قادر می‌سازد که متون و فرهنگ فردی و جمعی را مجموعه‌ای از نشانه‌ها بدانیم که تحلیل آنها می‌تواند راهی برای درک ساختارهای معنایی فرهنگ باشد (سرافراز، ۱۳۹۰: ۹۷). نشانه‌شناسی ریشه در آرای زبان‌شناس سوئیسی، فردیناند دو سوسور دارد. ادبیات عامه در واقع با نشانه‌شناسی ادبی شخصیت پیوندی دیرینه دارد و توانسته است به رمز و نشانه‌های این گونه ادبی دست یابد و آن را وسعت بخشد (بیگ زاده و احمدی، ۱۴۰۰: ۸۴).

شخصیت یکی از عناصر کلیدی در شعر، داستان و نظایر آن است. گونه‌های شخصیت برای بشریت نقش بسزایی داشته و الگویی ارزشمند به شمار می‌روند. شخصیت مذهبی، از گونه‌های شخصیتی است که نقش مهمی در تربیت فردی و اجتماعی دارد (همان، ۸۵). چهره شخصیتی و ویژگی زندگانی اهل بیت علیهم السلام شایستگی رهبری جامعه و حق‌تعلیم و تربیت آنان است. امام حسین علیه السلام با توجه به برخورداری از معارف و کرامات همواره الگویی سازنده برای جامعه به شمار می‌رود. در این جستار صفات اخلاقی و شخصیت دال و مدلولی امام حسین علیه السلام در پرتوی نظریه نشانه‌شناسی هامون مورد بررسی قرار گرفته است.

رابطه بین دال و مدلول در نشانه‌شناسی

سوسور دو مفهوم مهم دال و مدلول را در نشانه‌شناسی مطرح می‌کند. تصور هیچ یک از این دو مفهوم بدون عنایت به دیگری ممکن نیست. دلالت رابطه‌ای ایجابی است که بین دال و مدلول برقرار است. سوسور (۱۳۷۸: ۱۷۳) نشانه زبانی را متشکل از یک دال

(دلالت، تصور صوتی) و یک مدلول (ارزش یا تصور مفهومی) می‌داند و رابطه میان این دو را که به نشانه هستی و انسجام می‌بخشد، دلالت می‌نامد. وی بر این باور است که رابطه بین دال و مدلول از نوع اختیاری است. اصل اختیاری بودن نشانه‌های زبانی را سوسور با توجه به وجود واژه‌های گوناگون که در زبان‌های مختلف بر یک مفهوم یکسان دلالت می‌کند، ارائه کرد (همان). بر اساس کتاب زبان شناسی عمومی سوسور، می‌توان چنین استنباط کرد که هر مدلولی می‌توانسته هر دالی باشد و هر دالی نیز می‌توانسته به هر مدلولی دلالت کند و از این رو، این رابطه اختیاری است (صفوی، ۱۳۸۰: ۲۶).

نشانه‌شناسی شخصیت

نشانه بر معنای غایبی دلالت می‌کند که در متن حضور ندارد و یک چیز دیگر به وسیله آن معرفی می‌شود. هر چند گاهی هیچ ارتباط معنایی بین لفظ و معنا وجود ندارد؛ اما در هر جامعه بر اساس قراردادهای وضعی، هر لفظ نشان دهنده معنایی است (بیگ زاده و احمدی، ۱۴۰۰: ۸۷). از جمله ویژگی‌های بارز نشانه، صراحت نداشتن و غیر مستقیم بودن آن است؛ یعنی صورت کلام در نشانه مد نظر نیست، بلکه مفهومی فراواژگانی را باید کاوید و این امر از راه‌های پیچیدگی دانش نشانه‌شناسی است (همان). اگر چه گاهی مدلول‌ها به طور مستقیم، دلالت واضحی بردال نداشته باشند (طاهری نیا و حیدری، ۱۳۹۳: ۴۷). مطالعات نشانه‌شناختی شخصیت نشان می‌دهد که هر شخصیتی، صورتی از یک شخصیت بشری یا غیر بشری با ویژگی‌های چند وجهی است و پژوهشگر در دنیای نشانه‌ها، تمام عناصر بیرونی و روانی شخصیت، نام، نوع پوشش، کارکرد، نسبت اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک را بررسی می‌کند؛ چنانکه شبکه ارتباطی بین شخصیت‌ها را نیز مطالعه می‌کند و از طریق نام و سن به نشانه‌شناسی شخصیت می‌پردازد (عامری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴۷). فیلیپ هامون، نشانه‌شناسی ادبی شخصیت را در سه سطح شخصیت به مثابه دال، شخصیت به مثابه مدلول و سطوح تحلیل شخصیت بررسی کرده است (همان). نشانه‌شناسی ادبی یافتن مناسبت میان تصویر (دال) و تصور (مدلول) است و هدفش در نهایت کشف مناسبتی است میان آنچه

نویسنده ارائه و خواننده فهمیده یا تأویل کرده است (احمدی، ۱۳۷۵: ۱/۶).
 نشانه‌شناسی ادبی با بررسی مناسبت‌های مذکور و کشف ارتباط میان آنها می‌کوشد تا به
 معنا و مفاهیمی ورای این مناسبت‌ها دست یابد، اگرچه نشانه‌های زبانی معنای
 قاموسی لفظ مد نظر است (طاهری نیا و حیدری، ۱۳۹۳: ۴۸).

شخصیت امام حسین علیه السلام به عنوان دال

امام حسین علیه السلام با فداکاری و جان فشانی‌های خود تاریخ بشری را رقم زدند و درس
 آزادگی و عزت به انسان‌ها آموختند. در رفتار امام علیه السلام، از ابتدا که از مدینه حرکت کرد تا
 وقتی که در کربلا به شهادت رسید، همان معنویت، عزت، سرافرازی و در عین حال
 عبودیت و تسلیم مطلق در مقابل خدا محسوس است. امام حسین علیه السلام در جریان واقعه
 عاشورا نمودهایی از تعظیم شعائر الهی، عبادت، توکل، رضا و تسلیم را به منصفه ظهور
 گذاشتند (نوروزی و بدیعیان، ۱۳۸۸: ۹۴). علائلی (۱۹۹۶: ۱۰۴) از اندیشمندان معاصر
 اهل سنت می‌گوید: «ما در تاریخ انسان به مردان بزرگی برخورد می‌کنیم که هر کدام در
 جبهه و جهتی عظمت و بزرگی خویش را جهانگیر ساخته‌اند، یکی در شجاعت، دیگری
 در زهد و آن دیگری در سخاوت و... اما شکوه و بزرگی امام حسین علیه السلام حجم بزرگی است
 که هر یک از ابعاد بی‌نهایتش مشخص کننده یک عظمت تاریخ است، گویا او جامع همه
 والایی‌ها و فرازمندی‌ها است».

نام‌شناسی شخصیت امام حسین علیه السلام

نام در نام‌شناسی شخصیت به مثابه دال از اهمیت بالایی برخوردار است. «نام
 شناسی علمی است که به بررسی، تحلیل و ریشه‌یابی در صورت‌صوری و معنایی نام‌ها
 می‌پردازد. این رشته، امروزه یکی از شاخه‌های فرعی زبان‌شناسی محسوب می‌شود. از
 زمان‌های قدیم، محققان و نویسندگان، علاقه‌مند به ریشه‌یابی نام‌ها و در پی ایجاد پیوند
 رابطه میان اسم‌ها با مأخذ غیر اسمی بوده‌اند» (اسدی، ۱۳۸۹: ۱۴). از طرفی دیگر «اسم
 خاص باعث می‌شود که شخصیت، بیرون از مشخصه‌های معنایی‌اش وجود داشته
 باشد؛ مشخصه‌هایی که مجموعه آنها، کل شخصیت را می‌سازد. خواننده به کمک اسم

خاص به هستی شخصیت دست پیدا می‌کند. مشخصه‌های معنایی شخصیت، تنها سرآغاز راه اوست، جاده‌ای است که به معنا می‌رسد» (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۶۵). به قول همگان نام ایشان، «حسین بن علی» و فرزند دوم امام علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و نوه حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. ایشان در بین شیعیان اباعبدالله و سیدالشهداء علیه السلام نیز خوانده می‌شود. حسین اسم مصغر حسن است و در لغت به معنای نیکو و صاحب جمال است. اصل کلمه حسین از حسن است به معنای هراثر بهجت آفرین و شادی بخش که مورد آرزو باشد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۴۰۰).

در روایات متعدد شیعه و اهل سنت آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فرزندان ذکور علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام را به نام‌های حسن و حسین و محسن نامگذاری کرد^۱ (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲۷/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴/۳۹۳). روایات دیگر حاکی است که امام حسین علیه السلام در ابتدا به نام عمویش جعفر طیار که در آن زمان هنوز در حبشه زندگی می‌کرد، جعفر نامیده شد اما حضرت محمد صلی الله علیه و آله نام او را حسین نهاد. نیز در روایات آمده که نام حسن و حسین، نام‌هایی بهشتی بودند و پیش از اسلام بر کسی نهاده نشده است. حاج منوچهری (۱۳۸۴: ۶۶۵) می‌گوید عنوان «حَسَنَیْن»، یعنی دو حسن، در کلام پیامبر اسلام مشهور است و همراهی این دو نام، بیش از شباهت لغوی، بیان‌کننده قرابت شخصیت صاحبان این دو نام است. کنیه امام حسین علیه السلام در تمام منابع ابو عبد الله آمده، اما نزد خواص، لقب ابوعلی را نیز داشته است. امام علیه السلام القاب بسیاری دارد که با القاب حسن یکی است. امام حسین علیه السلام القاب خاصی مانند زکی، طیب، وفی، سید، مبارک، نافع، الدلیل علی ذات الله، رشید، والتابع لمرضاة الله داشته است. ابن طلحه مشهورترین لقب امام علیه السلام را زکی و مهم‌ترین آنان را سید شَبَابِ اهل الجنة می‌داند. در برخی متون ادبی و تاریخی قرن چهارم هجری و پس از آن، با وجود اینکه وی خلافتی نداشته است، از وی با لقب امیرالمؤمنین یاد می‌شود. در برخی احادیث منسوب به امامان شیعه علیهم السلام، امام حسین علیه السلام با لقب شهید یا سید الشهداء یاد شده است (عمادی حائری، ۱۳۸۷: ۲۷).

۱. مشابه نام‌های فرزندان حضرت هارون علیه السلام که شَبْر و شَبِیر و مُشَبَّر است.

شخصیت امام حسین علیه السلام به عنوان مدلول

ویژگی‌های شخصیتی امام حسین علیه السلام نقش مهمی در زندگی افراد جامعه ایفا می‌کند. صفات و ویژگی‌های شخصیت امام حسین علیه السلام به مثابه یک مدلول مبین خصایلی چون فداکاری، بخشش، محبت، شفاعت، عزت نفس، تواضع، کرامت نفس، شرافت، دین داری و مانند اینها است. این ویژگی‌های شخصیتی زمینه را برای رشد و پرورش احساسات و عواطف نرم و نیز اثرپذیری تربیتی فراهم می‌کند. در این رهگذر برخی از خصوصیات و ویژگی‌های امام حسین علیه السلام نظیر دلاوری، فتوت، گذشت، فروتنی، تقوا، شکیبایی و چراغ هدایت بودن به عنوان مدلول و شیء ارزشی مورد توصیف قرار می‌گیرند.

۱) دلاوری امام حسین علیه السلام و یارانش

شجاعت امام حسین علیه السلام به عنوان یک مدلول و شیء ارزشی بیانگر شخصیت والای این حضرت به هنگام نبرد با دشمن است. سلحشوری و شجاعت برای مقابله با دشمن و ترس از خطرات و اقدامات سخت و دشوار یکی از مهم‌ترین مکارم اخلاقی امام حسین علیه السلام و یاران شهیدش است. روح حماسی در عرصه‌های نبرد در ویژگی‌های فردی و تربیتی امام علیه السلام ریشه دارد. قیام کربلا از ابتدا تا انتها، متجلی شجاعت امام حسین علیه السلام بود. قاطعیت امام علیه السلام در مخالفت با یزید و ممانعت از بیعت با او و تصمیم حرکت به کوفه و عدم تزلزل روحیه از شنیدن اخبار کوفه و داشتن آمادگی کامل همگی نشان از شجاعت و شهامت امام علیه السلام و یارانش دارد (شهیدی، ۱۳۵۷: ۳-۱۹۶). زندگی امام حسین علیه السلام سرشار از صحنه‌های بروز شجاعت در جلوه‌های مختلف آن است. ادامه صلح امام حسن علیه السلام و مقاومت در برابر معاویه پس از به شهادت رساندن حجر بن عدی و یارانش و برملا کردن ماهیت امویان در آن دوران سخت از نمونه‌های شجاعت و شهامت امام حسین علیه السلام است. در روز عاشورا پس از آنکه تمام یاران امام علیه السلام به شهادت رسیدند و کسی برای یاری رساندن به ایشان باقی نماند و آن همه مصیبت استوارترین انسان‌ها را می‌شکست و همه چیز در اطراف او موجب ضعف قلب و انکسار روح و تزلزل در اراده بود، اما این‌ها هیچ تأثیری در شجاعت و دلیری امام علیه السلام نداشت. بالاتر از همه این‌ها،

شجاعتی است که امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام او و یارانش در صحنه های مختلف عاشورا نشان دادند که خود کتابی مفصل می شود؛ مانند شهادتی که مسلم بن عقیل در کوفه هنگام نبرد از خود نشان داد یا شجاعت یاران امام علیه السلام در عرصه کربلا، آن چنان بود که فریاد همه را برآورد و یکی از سران سپاه کوفه خطاب به سربازان فریاد زد: ای بی خردان! می دانید با چه کسانی می جنگید؟ با شیران رمنده و خشمگین با گروهی که مرگ آفرین اند. هیچ کدامتان به هموردی آنان به میدان نروید که کشته می شوید (ابومخنف، ۱۴۱۷: ۲۲۴). ابن حجر هیتمی در کتاب شرح الهمزیه گفته است: «بیشتر کسانی که به جنگ با امام حسین علیه السلام پرداختند، کسانی بودند که به آن حضرت نامه نوشتند و با او بیعت کرده بودند، وقتی حسین دعوتشان را اجابت کرده و به سویشان آمد نزد دشمنش رفتند و سپاهی که ابن زیاد برای نبرد حسین فرستاده بود، بیست هزار تن بودند. حسین با آن جمعیت کم، با آن لشکر بسیار کارزار نمود و در آن موضع ایستادگی شگفت انگیزی نشان داد، و اگر میان او و میان آب حایل نشده بودند بر او غالب نمی گشتند، زیرا حسین شجاع بزرگی بود که در میدان نبرد مغلوب نمی شد» (شبرای، ۱۴۲۳: ۵۰-۵۱).

ابن ابی الحدید (۱۳۸۸: ۱۵ / ۲۷۴-۲۷۵) از دیگر اندیشمندان اهل سنت می گوید: «کیست در شجاعت مانند حسین بن علی علیه السلام که در میدان کربلا گفتند: ما شجاع تر از او کسی را ندیدیم در حالی که انبوه مردم بر او حمله ور شده، و از برادران و اهل و یاران جدا شده باشد، مانند شیر رزمنده سواران را درهم می شکست و چه گمان می بری به مردی که راضی به پستی نشد، و دست در دست آنها نگذارد تا کشته شد».

عباس محمود عقّاد (۱۴۲۵: ۱۴۴)، دانشمند و ادیب مصری نیز در وصف شجاعت امام حسین علیه السلام می گوید: «وَشَجَاعَةُ الْحُسَيْنِ صِفَةٌ لَا تُسْتَعْرَبُ مِنْهُ لِأَنَّهَا الشَّيْءُ مِنْ مَعْدِنِهِ؛ شجاعت حسین صفتی است که جای شگفتی ندارد؛ زیرا آن چیزی است که از معدن خود ظهور کرده است». شجاعت فضیلتی است که آن را از پدران و نیاکان به ارث برد و به فرزندانش آن را به ارث داد، تا اینکه می گوید: «وَلَيْسَ فِي بَنِي الْإِنْسَانِ مَنْ هُوَ أَشَجَعُ قَلْبًا مِمَّنْ أَوَّاهَ عَلَى مَا أَقْدَمَ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ فِي يَوْمِ كَرْبَلَاءَ؛ در میان انسان ها کسی شجاعت تراز حسین نیست که بتواند کاری که او در کربلا انجام داد، انجام دهد».

۲) فتوت و گذشت امام حسین علیه السلام

از ویژگی‌های برجسته و نمایان امامان فتوت، پهلوانی و گذشت آنها است. توجه ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله، آغوش حضرت زهرا علیها السلام، پرورش علی بن ابی طالب علیه السلام و ویژگی‌های شخصیتی امام حسین علیه السلام از ایشان نمونه‌ای از یک شخصیت بزرگ، جوانمرد و با فضیلت ساخت. از ویژگی‌های بارز امام حسین علیه السلام که می‌توان از آن به عنوان یک ارزش و مدلول یاد کرد، جوانمردی و گذشت آن حضرت است. به عنوان مثال زمانی که ایشان از سرزمین اشراف عبور کرد به یاران خویش دستور داد تا آب زیادی با خود بردارند. در میانه مسیر حضرت و یارانش با سپاه حربن یزید برخورد کردند، سربازان حرا شدت تشنگی فریاد العطش سر می‌دادند که امام حسین علیه السلام به یاران خویش دستور داد تا سپاه دشمن و حتی اسب‌هایشان را سیراب کنند. چنین منشی برخاسته از روح جوانمردی و گذشت حضرت است که ایشان را به عنوان یک مکتب والا و بلند مرتبه برای مردم و جامعه قرار داده است.

در توصیف فتوت و جوانمردی امام حسین علیه السلام آمده است: روزی مردی مسافراز شام به مدینه آمده بود که امام حسین علیه السلام را سوار بر مرکب دید و بر اثر کینه‌ای که از او در دل داشت آنچه توانست به حضرت نسبت داد. امام علیه السلام نزد او آمد و با روی خوش و خندان سلام کرد و به او فرمود: ای پیرمرد! به گمانم غریب هستی و گویا امری بر تو اشتباه شده، اگر از ما درخواست رضایت کنی از تو خشنود می‌شویم اگر چیزی بخواهی به تومی دهیم اگر راهنمایی بخواهی تو را راهنمایی می‌کنیم اگر گرسنه باشی تو را سیر می‌کنیم اگر عریان باشی تو را می‌پوشانیم و اگر حاجت داشته باشی، آن را ادا می‌نماییم. هنگامی که پیرمرد در برابر گستاخی اش آن همه گذشت و بزرگواری را از امام حسین علیه السلام دید، شرمنده شد و تحت تأثیر قرار گرفت، به طوری که گریه کرد و گفت: گواهی می‌دهم که تو خلیفه خدا در زمین هستی و خداوند آگاه‌تر است که مقام رسالت خود را در وجود چه کسی قرار دهد. تو و پدرت نزد من مبعوض‌ترین افراد بودید، ولی اکنون محبوب‌ترین افراد نزد من، تومی باشی (مجلسی، ۱۳۸۸: ۴۳: ۳۴۴).



۳) فروتنی و تقوای امام حسین علیه السلام

یکی دیگر از خصلت‌های برتر و بارز امام حسین علیه السلام فروتنی و تقوا پیشگی ایشان بود. ابن اثیر (۱۴۱۵: ۲۰/۲) در کتاب *أسد الغابة* می‌نویسد «كان الحسين رضي الله عنه فاضلا كثيرا الصوم والصلوة والحج والصدقة وافعال الخير جميعها؛ امام حسين علیه السلام بسیار روزه می‌گرفت و نماز می‌گزارد و به حج می‌رفت و صدقه می‌داد و تمام کارهای پسندیده را انجام می‌داد». شخصیت حسین بن علی علیه السلام آنچنان بلند و دور از دسترس و پیرشکوه بود که وقتی با برادرش امام مجتبی علیه السلام، پیاده به کعبه می‌رفتند، همه بزرگان و شخصیت‌های اسلامی به احترامشان از مرکب پیاده شده، همراه آنان راه پیمودند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۵۲). اگر عظمت الهی در دل آدمی رخنه کند، انسان به معرفتی می‌رسد که به صورت خداترسی و ترس ناپذیری از غیر خدا جلوه می‌کند، از این رو جز در برابر خدا سرتسلیم فرود نمی‌آید و در نامایمات و ملایمات، در سختی‌ها و راحتی‌ها استوار و شکرگزار خواهد بود. در مکتب امام حسین علیه السلام بالاترین معرفت، دریافت عظمت حق و خداترسی است (درخشان، ۱۳۸۷: ۴). چنان‌که امام حسین علیه السلام از پدرش روایت کرده است: «حسبک من العلم ان تخشى الله (حرانی، ۳۷۰)؛ از دانش تو را همان بس که از عظمت خدا بترسی». تعظیم کردن در برابر غیر خدا و تن دادن به پستی‌ها به دلیل عدم درک عظمت الهی است و اگر آدمی بپذیرد که همه چیز از اوست و جز او هیچ قدرتی وجود ندارد، دیگر تسلیم امر باطلی نمی‌شود. امام حسین علیه السلام برترین نمونه این منطقی است. چنان‌که وقتی حربن یزید ریاحی راه وی را به سوی کوفه سد کرد و از کشته شدن هشدار داد، شأن خود را این‌گونه بیان فرمود: «ليس شأنی شأن من يخاف الموت ما اھون الموت علی سبیل نیل العزو احياء الحق؛ شأن من شأن کس نیست که از مرگ بهراسد. چقدر مرگ در راه رسیدن به عزت و احیای حق سبک و راحت است». مواضع امام حسین علیه السلام در قیام شکوه‌مندش گویای این حقیقت است (درخشان، ۱۳۸۷: ۶). هنگامی که عبدالله بن جعفر پسر عموی حضرت، وی را از حرکت به سوی عراق نهی نمود و از ایشان خواست از این سفر منصرف شوند و امان نامه‌ای را برای ایشان ارسال کرد، امام علیه السلام در جواب نامه و امان نامه پسر عمو، چنین پاسخ می‌دهند: این گواه روشن و صادق بر منطق خداترسی و

ترس ناپذیری از غیر خداست (همان). «اما بعد فانه لم يشاقق الله ورسوله من دعا الى الله وعمل صالحا وقال اننى من المسلمين وقد دعوت الى الامان والبر والصله، فخير الامان، امان الله؛ آن که به سوی خدای عزوجل دعوت نماید عمل صالح انجام دهد وگوید من از تسلیم شدگانم، با خدا ورسولش مخالفت نکرده است واینکه به من وعده امان و نیکی و پاداش داده‌ای، پس بدان که بهترین امان، امان خداست و آن که در دنیا از خدا نمی‌ترسد هرگز در قیامت امان نیابد، از خداوند می‌خواهم ترسی از خود در دنیا عنایت فرماید که موجب امان ما در روز قیامت گردد» (طبری، ۱۳۶۳: ۳۸۸/۵).

بنابراین چون خدا ترسی در وجود آدمی جای گیرد، ترس از غیر خدا بی‌معنا می‌شود. خدا ترسی حریمی است که حافظ حرمت آدمی و موجب استقامت و شکست‌ناپذیری در انسان می‌شود. راه کمال به سوی حق، با خدا ترسی و ترس ناپذیری هموار می‌شود و امام حسین علیه السلام این راه را چنان تصویر نموده است که هر کس بتواند ببیند و هر عدالت خواه و آزاده‌ای آن را سیر کند (درخشان، ۱۳۸۷: ۸). چنان‌که شوشتری (۱۳۶۲: ۴۲۳/۱۱) در وصف سیره عملی امام حسین علیه السلام می‌نویسد: «دیده شد که امام حسین علیه السلام، خانه خدا را طواف می‌کرد. سپس به مقام ابراهیم رفت و نماز گزارد. پس گونه خود را بر مقام نهاد و شروع به گریه کرد و می‌فرمود: الها! بنده ناچیز تو، به در خانه‌ات پناه آورده. خدمتگزار کوچک تو، به در خانه‌ات پناه آورده. خواهان تو، به در خانه‌ات پناه آورده. نیازمند توبه در خانه‌ات پناه آورده. این فرازها را پیوسته، تکرار می‌فرمود. سپس برگشت و بین راه، به نیازمندی گذر کرد که پاره نانی را می‌خوردند، به آنان سلام گفت. آنان حضرت را به خوراک خود دعوت نمودند».

۴) بخشندگی و سخاوت امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام به عنوان الگوی بشر از تمام کمالات و ویژگی‌های انسانی برخوردار بود. یکی از والاترین خصلت‌ها و ویژگی‌های انسانی ایشان، سخاوت و بخشش بود. آن حضرت پیوسته از مردم حمایت می‌کرد و بر این باور بود که «مَنْ جَادَ سَادَ وَمَنْ بَخَلَ رَذَلَ وَأَنَّ اجْوَدَ النَّاسِ مَنْ أُعْطِيَ مَنْ لَّا يَرْجُو؛ کسی که بخشش نماید، بزرگی خواهد یافت و هر کس بخل بورزد، پست خواهد شد و یقیناً بخشنده‌ترین مردم کسی است که به

نیازمندی که امید یاری ندارد، بخشش کند» (ری شهری، ۱۳۹۱: ۱۳/۱۳-۱۴).

امام حسین علیه السلام همیشه به یاری یتیمان و نیازمندان می‌شتافت و به زنان بی‌سرپرست رسیدگی می‌کرد. هربار که پولی به دست امام علیه السلام می‌رسید، آن را در میان نیازمندان تقسیم می‌کرد. امام حسین علیه السلام در تاریکی شب، کیسه‌هایی پر از غذا و پول به منزل یتیمان و زنان بی‌سرپرست می‌برد، به گونه‌ای که حتی معاویه نیز به بخشنده بودن امام علیه السلام اعتراف می‌کرد. اوزمانی که مقداری هدایا به برخی از بزرگان فرستاد گفت: حسین بخشش خود را از یتیمانی که پدرانشان را در جنگ صفین از دست داده‌اند آغاز کرد و اگر پولی اضافه می‌آورد با آن شتر سر می‌برید و به مردم اطعام می‌داد (شریف قرشی، ۱۳۸۵: ۱۲۸/۲). انس می‌گوید: «در محضر امام حسین علیه السلام بودم. یکی از کنیزان امام علیه السلام نزد او آمد و دسته‌گلی به ایشان هدیه کرد. امام علیه السلام به کنیز فرمود: در راه خدا آزاد هستی. من به امام علیه السلام گفتم: به خاطر یک دسته گل کم ارزش، آزادش کردید؟ امام علیه السلام فرمود: خداوند این چنین ما را ادب فرموده است که واذا حییتم بتحیة فحیوا با حسن منها اوردوها؛ هرگاه به شما تحیت گویند، بهتر از آن یا (دست کم) به همان گونه پاسخ بدهید. و بهتر از این دسته گل، آزاد کردنش بود» (اربلی، ۱۳۸۲: ۲/۲۰۶).

۵) شکیبایی امام حسین علیه السلام

کسی که از واقعه کربلا و عاشورا شناخت داشته باشد به ویژگی اخلاقی صبر و بردباری امام حسین علیه السلام معترف می‌شود. فجایای بزرگی که بر خاندان اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سال ۶۱ هجری بر امام حسین علیه السلام وارد شد چیزی نبود که هرکسی بتوان تاب تحمل آن همه مصیبت را داشته باشد. آنگاه که حضرت بر زمین قتلگاه افتاده بود و لحظات آخر عمر شریف خویش را سپری می‌کرد، آخرین پرده از شکوه و عظمت صبر حسینی به نمایش در می‌آید، حضرت در آخرین لحظه زندگی خود به آستان دوست این چنین مناجات می‌کرد: «صبراً علی قضائک یا رب لا اله سواک یا غیاث المستغیثین» (دربندی، ۱۴۱۵: ۴۲۳). در روز عاشورا پس از آنکه تیر بر گلوی علی اصغر علیه السلام اصابت کرد، امام علیه السلام گریست و دودست خود را زیر گلوی فرزند شیرخوارش نهاد، سپس فرمود «ای نفس شکیبایی پیشه کن و آنچه را بر تو وارد می‌شود، به حساب خدا بگذار. خدایا! آنچه را

در حال حاضر بر ما واقع می‌شود، می‌بینی، پس آن را پشتوانه‌ای برای روز قیامت‌مان قرار ده» (عزیزی، ۱۳۹۱: ۸۱). سپس بر جنازه او نماز گذارد. امام علیه السلام به این امر واقف بودند که خواندن نماز بر روی جنازه طفل شیرخوار واجب نیست اما بر اساس آیه ۴۵ سوره بقره بر آن بود از صبر و نماز یاری جوید تا طاقت تحمل مصیبت به این سنگینی را داشته باشد (عزیزی، ۱۳۸۵: ۱۲۳).

امام حسین علیه السلام در صبر و شکیبایی الگو بود و در تمام مراحل به شکیبایی توصیه می‌کرد. او به هنگام آخرین وداع با خاندانش، آنان را به درپیش گرفتن صبر توصیه کرد و با اندرز حکیمانه، آنان را از بی‌تابی در مقابل دشمنان نهی فرمود و از دختر کوچکش خواست تا زمانی که پدرزنده است گریه نکند و قلب او را شعله ورنسازد. «آنگاه که با زخم‌های بی‌شمار و فرق شکافته و پیشانی شکسته و سینه در هم کوبیده و سوراخ شده از تیر سه شعبه بر ریگ‌های نینوا افتاده است و در همان حال تیرهای ظلم در گلویش فرونشسته، زبان از شدت عطش و بسیاری حرکت، مجروح و جگرشعله و رولب‌ها خشک است، قلب مبارکش از سویی با دیدن انبوه شهیدان بر خون تپیده‌اش سوخته و از دگر سو، با نظاره بر خاندان محاصره شده‌اش سخت در تب و تاب است و محاسن و سرو صورت به خون آغشته است. در همان شرایط از یک طرف فریاد دادخواهی خاندان را می‌شنود و از طرف دیگر صدای شادمانی و شماتت دشمنان را، چون چهره از خاک برمی‌دارد و دیده به این سو و آن سو می‌گشاید، پیکرهای به خون آغشته‌ای را می‌نگرد که در کنار هم چیده شده‌اند، ولی با همه این پیشامدهای سهمگین و مصایب بزرگ و طاقت فرسا چون کوهی ثابت و استوار بر موضع برحق و قهرمانانه‌اش ایستاده است، نه آهی می‌کشد، نه دریغی می‌دارد و نه یک قطره اشک ضعف در برابر دشمن می‌ریزد، تنها زیر لب زمزمه دارد که: بار خدایا! من در برابر حکم تو شکیبایم! جز تو معبودی نیست، ای فریادرس دادخواهان» (همان).

۶) امام حسین علیه السلام به عنوان چراغ هدایت و کشتی نجات

دیگر خصوصیت حضرت، چراغ هدایت بشر در تاریکی‌ها و کشتی نجات در طوفان بلاها و فتنه‌ها است؛ گونه‌ای که هر کس از نور این چراغ بهره ببرد هرگز در تاریکی و گمراهی

نرود و کسی که بر این کشتی نجات بنشیند، در تلاطم فتنه‌ها و امواج خروشان ظلمت و نفاق غرق نمی‌شود و به سلامت به ساحل بهشت خداوند می‌رسد. در زیارت حضرتش می‌خوانیم «بضیاء نورک اهتدی الطالبون الیک و اشهد انک نور الله الذی لم یطفأ و لایطفأ ابدا و انک وجه الله الذی لم یهک و لا یهک ابدا؛ و با فروغ نور تورهجویان تو هدایت می‌شوند و گواهی می‌دهم که تو آن نور خدایی هستی که از ازل روشن بوده و تا ابد هیچ کس آن را خاموش نتواند کرد و تو وجه باقی الهی هستی که آن وجه باقی از ازل تا ابد هرگز نابود و فانی نخواهد گشت» (طریحی، ۱۳۷۵: ۱/۲۳۷).

جلوه دیگری که خداوند برای امام حسین علیه السلام قرار داده است، کشتی نجات بودن ایشان است. در سخت‌ترین و بزرگ‌ترین امتحان یعنی ماجرای عاشورا، کسانی که سوار بر کشتی نجات امام حسین علیه السلام شدند، از طوفان بلایا در امان ماندند که این ماجرا تا آینده و رسیدن به دوران ظهور امام زمان علیه السلام ادامه دارد (برقی، ۱۳۳۹: ۳۳). در واقع می‌توان گفت مردم همچنان که نیازمند چراغ هدایتی امام حسین علیه السلام هستند، در این مسیر مردم باید مورد حمایت واقع شوند تا با اندک آشوبی از مسیر دور نشوند تا اینکه به ساحل آرامش و آن سرزمین ایده‌آل یعنی سرزمین ظهور برسند. خداوند برای اینکه ویژگی مصباح هدایتی و کشتی نجاتی امام علیه السلام را بیشتر متبلور سازد، مراحل را در دنیا قرارداد تا نور امام حسین علیه السلام بیشتر بر عالم سرازیر شود تا کسانی که به دلیل انجام گناهان و خطاها به واسطه فریب شیاطین، که پرده‌هایی مقابل نور هدایت ایجاد کرده‌اند، بتوانند تحت تأثیر نور ابا عبدالله علیه السلام همچنان که حجاب گناهان را می‌زدایند، از نور هدایتی امام علیه السلام بهره ببرند. در واقع وجه مصباح هدایتی امام حسین علیه السلام و کشتی نجاتی حضرت همیشه باید در کنار یکدیگر قرار داشته باشند، به این صورت که ابتدا توسط خداوند در کشتی نجات امام حسین علیه السلام قرار می‌گیرند سپس با چراغ هدایت امام علیه السلام مسیر هدایت به سوی صراط مستقیم را طی می‌کنند که در حدیث هم به زیبایی در کنار هم قرار داده شده‌اند (اسفندیاری، ۱۳۸۰: ۴۱۹).

نتیجه

نشانه‌شناسی شخصیت و صفات امام حسین علیه السلام، نشانه‌هایی از نور، گشایش، مکارم

اخلاقی، مسیر درست، آرامش دنیوی و اخروی را در برابر ما قرار داده و باعث می‌شود تا با شناخت هر چه بهتر شخصیت این امام بزرگوار، به خود شناسی و خدا شناسی دست یابیم؛ چراکه امامان علیهم‌السلام یکی از راه‌های رسیدن به خدا شناسی هستند. نشانه شناسی شخصیت امامان علیهم‌السلام، علاوه بر آشنایی با حوزه‌های مربوط به علوم زبانی، بسترا برای برخورداری از علوم معرفتی و انسانی، پیش روی مخاطب باز می‌کند و از این طریق می‌توان با شاخه‌های مختلف علوم آشنا و از چشمه‌های آن سیراب شد. در این پژوهش با بررسی ابعاد مختلف شخصیت دالی و مدلولی امام حسین علیه‌السلام و خصوصیات اخلاقی ایشان می‌توان گفت خصلت‌های درونی و بیرونی امام علیه‌السلام به عنوان یک شیء ارزشی در میان مردم چه در گذشته و چه در حال روشن کننده مسیر درست و متجلی صفات نیک و پسندیده است. شخصیت دالی و مدلولی امام حسین علیه‌السلام به عنوان یک نشانه، باعث شناخت خصلت‌های خوب و بد یک جامعه در زمان زندگی آن حضرت در میان مردم و نیز در زمان حال به شمار می‌رود؛ چراکه به واسطه شناخت ویژگی‌های امام حسین علیه‌السلام می‌توان خوب را از بد و حق را از باطل جدا کرد و به ماهیت آن پی برد. صفات دالی و مدلولی امام حسین علیه‌السلام بیانگر مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی، اجتماعی، کارکردی و پوششی مطلوب و تعریف شده در جامعه اسلامی است. به عنوان مثال برخورد متواضعانه و مهربانانه حضرت با مردم به ویژه یتیمان نشان دهنده عنصر فرهنگی و اجتماعی ایشان است. این دو عنصر مانند سایر عناصر، برخاسته از رفتار و منش دینی-مذهبی است که خداوند از ابتدا در ایشان نهاده بود. صفات اخلاقی امام حسین علیه‌السلام به عنوان یک الگوی برتر و والا، مبین شخصیت و سیمای متعالی این امام بزرگوار است. ویژگی و صفات پسندیده امام حسین علیه‌السلام از جهت دال یعنی نام شناسی، هم با نام امام علیه‌السلام و هم با شخصیت مدلولی حضرت یعنی شفاعت، کرامت، محبت، سخاوت و شخصیت رئوف ایشان هماهنگ و متناسب است.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۷۵)، ساختار و تاویل متن، تهران، مرکز.

- ابومخنف، لوط بن یحیی (۱۴۱۷ق)، *وقعة الطف*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۴۱۵ق)، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، قم، دارالکتب العلمیه.
- ابن ابی الحدید (۱۳۸۸)، *شرح نهج البلاغه*، ترجمه غلامرضا لایقی، تهران، نشر نیستان.
- اخوت، احمد (۱۳۷۱)، *دستور زبان داستان*، اصفهان، فردا.
- استون، الین و جرج ساوانا (۱۳۸۲)، «نشانه شناسی شخصیت»، ترجمه داوود زینلو، مجله هنر، ش ۵۵، ص ۴۸-۶۳.
- اسدی، سعید و فرید فرهنگ (۱۳۸۹)، «نشانه شناسی شخصیت های نمایشی در نمایش نامه مرگ فروشنده»، هنرهای نمایشی و موسیقی، ش ۳۹، ص ۱۳-۲۳.
- اسفندیاری، محمد (۱۳۸۰)، *کتابشناسی تاریخی امام حسین علیه السلام به ضمیمه امام حسین علیه السلام در الذریعه*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اسلم جوادی، محمد و امیر نیک پی (۱۳۸۷)، «ایده و مفهوم ساختگرایی با بررسی آراء سوسورولوی استروس تا دریا»، معرف فرهنگ اجتماعی، س ۱، ش ۳، ص ۱۱۷-۲۰۳.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۲)، *کشف الغمه فی معرفة الائمة*، تهران، انتشارات اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق)، *انساب الاشراف*، بیروت، دارالفکر العربی.
- بیگ زاده، خلیل و پریسا احمدی (۱۴۰۰)، «نشانه شناسی شخصیت امام رضا علیه السلام در «هاچین و واچین» زهرا داوری بر پایه نظریه فیلیپ هامون»، فصلنامه فرهنگ رضوی، س ۹، ش ۳۳، ص ۸۳-۱۰۴.
- برقی، سید فخرالدین (۱۳۳۹)، «حسین مصباح الهدی و سفینه النجاه»، نشریه مجموعه حکمت، ش ۵۰، ص ۳۰-۳۷.
- حاج منوچهری، فرامرز (۱۳۸۴)، *تاریخ معصومان*، امام حسین علیه السلام، تهران، بنیاد دائره المعارف بزرگ اسلامی.
- حرانی، ابن شعبه (۱۳۸۸)، *تحف العقول*، ترجمه سید مهدی سازندگی، قم، نوید اسلام.
- دربندی، فاضل (۱۴۱۵ق)، *اکسیرالعبادات فی اسرار الشهاده*، بحرین، شرکه المصطفی

- للخدمات الثقافیه.
- درخشان، بهرام (۱۳۸۷)، اصول ماندگاری و جاودانگی اندیشه امام حسین علیه السلام در قلوب و تاریخ اندیشه‌ها، قم، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
 - راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه و تحقیق همراه با تفسیر لغوی و ادبی قرآن از غلامرضا خسروی حسینی، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء آثار الجعفرية.
 - ری شهری، محمد (۱۳۹۱)، «دانشنامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ (فارسی-عربی)»، ترجمه عبدالهادی مسعودی و سید محمود طباطبائی نژاد، قم، موسسه فرهنگی دارالحدیث.
 - سجودی، فرزانه (۱۳۹۰)، نشانه شناسی: نظریه و عمل، تهران، نشر علم.
 - سرافراز، حسن (۱۳۹۰)، «استوارت هال و مهاربجران، خوانشی بر کتاب مهاربجران»، نامه فرهنگ و ارتباطات، ش ۱، ص ۱۴۱-۱۶۰.
 - سوسور، فردیناند (۱۳۷۸)، «دودوره زبان شناسی عمومی»، ترجمه کورش صفوی، تهران، نشر هرمس.
 - شاه علی، احمد رضا (۱۳۸۹)، «نشانه شناسی جریان فکری - سیاسی اصول گرایی با تأکید بر واژه مردم»، مجله رهیافت انقلاب اسلامی، س ۴، ش ۱۲، ص ۴۹-۶۶.
 - شهیدی، سید جعفر (۱۳۵۷)، قیام امام حسین علیه السلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 - شبرآوری، عبدالله بن محمد (۱۴۲۳ق)، الاتحاف بحب الاشراف، قم، دارالکتاب الاسلامی.
 - شوشتری، نورالله بن شریف الدین (۱۳۶۲-۱۴۰۴ق)، احقاق الحق وازهاق الباطل، قم، انتشارات مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
 - شریف قرشی، محمد باقر (۱۳۸۵)، حیاة الامام الحسین بن علی علیهما السلام: درسه و تحلیل، قم، قلم مکنون.
 - شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان العکبری (۱۴۱۳ق)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.

- صفوی، کورش (۱۳۸۰)، *از زبان شناسی به ادبیات*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- طاهری نیا، علی باقرو زهره حیدری (۱۳۹۳)، «ساختار نشانه ای شخصیت حضرت مریم علیها السلام در قرآن کریم»، فصلنامه لسان مبین، س ۵، ش ۱۵، ص ۴۵-۶۴.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۳)، *تاریخ الامم والملوک*، مکتبه ارومیه.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، *مجمع البحرين ومطلع النیرین*، تهران، نشر مرتضوی.
- عامری، محمد علی و دیگران (۱۳۹۵)، «نشانه شناسی ادبی شخصیت فرعون در قرآن کریم»، فصلنامه پژوهش های ادبی-قرآنی، س ۴، ش ۲، ص ۱۴۴-۱۶۵.
- عیاشی، منذر (۱۴۲۹ق)، *العلاماتیه وعلم النص*، دمشق، دارالمحبه.
- علائلی، عبدالله (۱۹۹۶م)، *سموالمعنی فی سموالذات او اشعه من حیات الحسین*، بیروت، دارالجدید.
- عزیزی، عباس (۱۳۹۱)، *فضایل و سیره امام حسین علیه السلام در کلام بزرگان*، قم، صلاه.
- _____ (۱۳۸۵)، *۲۰۰ داستان از فضائل، مصائب و کرامات علی اصغر علیه السلام*، قم، صلاه.
- عمادی حائری، سید محمد (۱۳۸۷)، *قرآن فارسی کهن: تاریخ، تحریرها، تحلیل*، تهران، میراث مکتوب.
- عقاد، عباس محمود (۱۴۲۵ق)، *الحسین ابوالشهداء*، تهران، *المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الإسلامیة*، مدیریة النشر والمطبوعات.
- الغدामी، عبدالله محمد (۲۰۰۶)، *تشریح النص*، مغرب، *المركز الثقافی العربی*.
- موحد مجد، مجید و دیگران (۱۳۹۴)، «بازنمایی مناسک محرم و عاشورا»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ش ۳، ص ۵۹-۳۱.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۸)، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- نوروزی، رضا علی و راضیه بدیعیان (۱۳۸۸)، «الگوی روابط انسانی در تربیت دینی با تاکید بر سیره امام حسین علیه السلام»، فصلنامه اندیشه دینی، ش ۳۳، ص ۹۱-۱۸۰.

